

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۱/۳۰  
تاریخ بررسی مقاله: ۹۴/۰۲/۳۰  
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۰۴/۰۲

مجله دست‌آوردهای روان‌شناسی بالینی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، تابستان ۱۳۹۴  
دوره‌ی اول، سال ۱، شماره ۲  
ص: ۶۷-۸۲

## مقایسه خیانت زناشویی و هوش هیجانی مطلقین و افراد متأهل عادی شهر اهواز

کریم سواری\*

مهین طلایی‌زاده\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه خیانت زناشویی و هوش هیجانی مطلقین و افراد متأهل عادی شهر اهواز بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زوجین طلاق گرفته و افراد متأهل عادی شهر اهواز را تشکیل داده‌اند که از بین آن‌ها ۱۲۰ زن و مرد (۶۰ فرد طلاق گرفته و ۶۰ نفر متأهل) به روش داوطلبانه انتخاب شدند. این افراد از لحاظ سن، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، طول مدت ازدواج و سایر متغیرهای مورد نظر در پژوهش همسان بودند. به منظور جمع‌آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه‌های خیانت زناشویی مارک واتلی (۲۰۰۶) و هوش هیجانی سبیریاشرینگ (۱۹۹۹) استفاده گردید. طرح تحقیق توصیفی-علی مقایسه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون مانوا نشان داد که بین مطلقین و افراد متأهل عادی از لحاظ میزان خیانت زناشویی و هوش هیجانی تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. یعنی میزان خیانت زناشویی در افراد مطلقه در مقایسه با افراد متأهل عادی بیشتر بوده است اما میزان هوش هیجانی افراد مطلقه پایین‌تر از افراد متأهل عادی بوده است.

**کلید واژگان:** خیانت زناشویی، هوش هیجانی، طلاق.

\* دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) k\_sevari@pnu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات خوزستان، واحد اهواز

## مقدمه

خیانت زناشویی<sup>۱</sup>، مسأله‌ای است که کمتر شناخته شده است (بلو و هارتنت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ اتکینز، باکوم و جکوبسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ گلاس و رایت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷) و از آن به عنوان یک عمل زشت غیراخلاقی یاد می‌شود (پرایتز، بانک و یان‌پیرن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳). براساس یک تعریف کلی خیانت زناشویی نقض تعهد رابطه دو نفره است که منجر به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه می‌شود (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۲). شواهدی وجود دارد که افراد، روابط جنسی و عاطفی خارج از زناشویی را غالباً به عنوان یکی از دلایل مشکل‌های ازدواج، جدا شدن و طلاق مطرح می‌کنند. به عبارت دیگر مشکلات زناشویی و در پی آن طلاق<sup>۶</sup>، نه تنها پایه‌های خانواده را متزلزل می‌کند، بلکه مهم‌تر از آن رشد عاطفی و اجتماعی و سازگاری زوجین را دچار مشکل می‌سازد (یارمحمدیان، ریحانی و قادری، ۱۳۹۱). بی‌وفایی و خیانت، به دلیل خارج بودن از مسیر طبیعی و فطری، ماهیتی آسیب‌زا و آسیب‌زننده دارد. آسیبی که در یک ارتباط خارج از هنجار به وجود می‌آید، تأثیرات مخرب خود را در امور دیگر همسران و خانواده بر جای می‌گذارد (کاوه، ۱۳۸۹). به گفته برخی از پژوهشگران همچون صنم‌نژاد، پاشاوی، افتاده‌حال و خدایاری‌فرد (۱۳۸۹) یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق در دهه‌های اخیر که رشد چشمگیری داشته خیانت‌های زناشویی و روابط فرا زناشویی می‌باشد.

بررسی‌های گسترده جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در زمینه طلاق، موضوع خیانت زناشویی را به عنوان یکی از عمده‌ترین دلایل تقاضای طلاق و جدایی هر یک از زوجین بیان می‌کند. در همین زمینه، نتایج بررسی سودانی، کریمی، مهرابی‌زاده هنرمند و نیسی (۱۳۹۱) نشان‌دهنده آن بود که ۹۷ درصد از زوجین در این مطالعه، بیان کرده‌اند که افراد متأهل نباید در روابط نامشروع شرکت نمایند و در عین حال، خیانت زناشویی عمده‌ترین دلیلی است که زوجین را برای طلاق به کلینیک‌های مشاوره خانواده سوق می‌دهد. همان‌گونه که آمارها نشان

- 
- 1- marital infidelity
  - 2- Blow & Hartnett
  - 3- Atkins, Baucom, & Jacobson
  - 4- Glass & Wright
  - 5- Prins, Buunk, & VanYperen
  - 6- divorce

می‌دهد آمار طلاق در ایران نیز سالانه در حال افزایش است، به نحوی که از سال ۸۰ تا ۸۶ به میزان ۲٪ به این آمار اضافه شده است. آن طوری که آمار دادگستری کل استان خوزستان (۱۳۹۳؛ به نقل از سودانی و همکاران، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد بیشترین دعاوی مطرح شده در مجتمع قضایی خانواده‌های اهواز مربوط به درخواست‌های طلاق است و بخش عمده‌ای از آن را طلاق‌هایی با جدایی کامل تشکیل می‌دهد. براساس اعلام رسمی ثبت احوال استان خوزستان، در چهار ماه اول سال ۱۳۹۰ نسبت ازدواج به طلاق در شهرستان اهواز ۸ بوده که نسبت به چهار ماه اول سال گذشته ۱/۸۵ درصد رشد داشته در حالی که طلاق ۷/۲۶ درصد افزایش داشته است (اداره کل ثبت احوال استان خوزستان، ۱۳۹۰؛ به نقل از سودانی و همکاران، ۱۳۹۱).

از دیدگاه زوج درمانی هیجان مدار، خیانت زناشویی نوعی آسیب دلبستگی<sup>۱</sup>، در ارتباط است. آسیب‌های دلبستگی به عنوان تخطی‌های صورت گرفته از پیوند انسانی در نظر گرفته می‌شود، که به شکل ترک‌شدگی‌ها و خیانت در موقع بحرانی بروز می‌کند (سودانی و همکاران، ۱۳۹۱). رابطه بین خیانت و همسر، طلاق و سلامت روانی بشدت پیچیده است (گاتمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). براو و لامپکین<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در مدلی که جهت تبیین خیانت‌های زناشویی ارائه می‌دهند، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رخداد این پدیده را نیازهای برآورده نشده و نقایص موجود در پاسخ‌دهی همدلانه و خستگی عنوان می‌کنند که همگی عواملی هستند که اثرگذاری مستقیم بر کاهش رضایت زناشویی دارند. در همین رابطه نتایج تحقیق آلن، گالنا، استانل، مارکمن، ویلیامز و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که مردانی که رضایت جنسی پایینی داشتند بیشتر به خیانت زناشویی دست می‌زنند و زنانی که روابط مثبت پایینی با همسرانشان داشتند بیشتر خیانت زناشویی نشان دادند. نتایج مطالعه آلن، اتکینز<sup>۵</sup>، باکوم<sup>۶</sup>، اسنایدر<sup>۷</sup>، گوردون<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۵) و گلاس و رایت (۱۹۸۵) حاکی از آن است که بین رضایت زناشویی و

1- attachment injuries

2- Gotman

3- Brove & Lumpkin

4- Allen, Galena, Stanel, Markman, Williams, & et al

5- Atkins

6- Baucom

7- Snyder

8- Gordon

خیانت ارتباط منفی وجود دارد. نتایج برخی از بررسی‌ها (پرویتی و آماتو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ تریز و گیزن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ ادواردز و بوت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴) نیز نشان می‌دهد که داشتن نگرش آزاد می‌تواند در خیانت زناشویی مؤثر باشد.

بنا به شواهد پژوهشی (برای نمونه راسل، بیکر و مک‌نالتی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) طلاق از جمله عوامل مؤثر در بروز خیانت زناشویی به شمار می‌رود. در همین رابطه نتایج مطالعه راسل، بیکر و مک‌نالتی (۲۰۰۵)، آماتو و پرویتی (۲۰۰۳)؛ باس و شاکلفورد<sup>۵</sup> (۱۹۹۷)؛ گرازیانو و آیزنبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که میزان خیانت زناشویی در افراد طلاق گرفته نسبت به افراد عادی بیشتر است.

هر چند بروز رفتار و افکار فرازناشویی به عنوان رویدادی منفی و برهم زننده آرامش و سازگاری زندگی زناشویی و در پی آن طلاق مطرح است، اما ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند به عنوان عامل برقرارکننده و برهم زننده سطح بهنجار کارکردهای زناشویی، نقش مناسب خود را ایفا کند. تحقیقات نشان می‌دهد که همسرانی که توانایی تشخیص و ابراز هیجان خود و تشخیص هیجان دیگران را داشته‌اند در زندگی زناشویی خود از سازگاری بیشتری برخوردار بودند (یزدی، گلزاری هرسینی و گلزاری هرسینی، ۱۳۸۴). نتایج پژوهش اولیور و میلر<sup>۷</sup> (۱۹۹۴) این موضوع را نشان داد که زوج‌های متعارض سال‌هایی را به علت نداشتن مهارت‌های ارتباطی به صورت ناکارآمد سپری کرده‌اند، آن‌ها فکر می‌کردند که مشکل آن‌ها مسائل جنسی، مالی یا وابستگی است، ولی منشاء بیشتر مشکلات آن‌ها فقدان برقراری ارتباط مناسب و هدایت کردن موضوع به نحوی مؤثر بود.

در خصوص اهمیت هوش هیجانی و اثر آن بر رضایت زناشویی و یا حتی همبستگی خانواده تحقیقات متعددی همچون اسمیت، هال و جاستین<sup>۸</sup> (۲۰۱۰)، تیرگری (۱۳۸۵) و رحمانی (۱۳۸۵) نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری

- 
- 1- Previti, & Amato
  - 2- Treas & Giesen
  - 3- Edwards & Booth
  - 4- Russell, Baker, & McNulty
  - 5- Buss & Shackelford
  - 6- Graziano & Eisenberg
  - 7- Olive & Miller
  - 8- Smith, Hall, & Justin

وجود دارد. در مطالعه دیگری یاریاری و سلطانی (۱۳۸۷) طی تحقیق به این نتیجه رسید که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، بازسازی هیجانی و همبستگی خانواده و شفافیت عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج برخی از مطالعات همچون سالوی، بدل، دتوایلر و مایر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) و گلمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که یافتن نشانه‌های بی‌کفایتی عاطفی، خطوط فکری یا رفتار اشتباهی می‌تواند یک زوج را به سوی تعارض یا جدایی سوق دهد که این نقش حیاتی هوش هیجانی را در بقای ازدواج و رابطه زناشویی به اثبات می‌رساند. در صورتی که یکی از زوجین یا هر دوی آن‌ها کاستی‌های خاصی در مؤلفه‌های سازنده هوش هیجانی خود داشته باشند، احتمال عمیق‌تر شدن شکاف‌های عاطفی بین آن‌ها افزایش خواهد یافت و در نهایت، این وضعیت موجب آسیب‌پذیری و گسستن پیوند آن‌ها می‌شود، پایین بودن هوش هیجانی در زوجین موجب ازدواج‌های ناشاد می‌شود که اغلب به طلاق ختم می‌شوند. مطالعاتی که به تازگی در زمینه وضعیت هوش هیجانی در افراد با شکست و بدون شکست در عشق انجام دادند دریافتند که افراد دارای شکست در عشق، سطوح کمتری از هوش هیجانی را نسبت به افراد بدون شکست در عشق دارند و در مؤلفه‌های هوش هیجانی بین دو گروه تفاوت معنی داری در خود شکوفایی، ارزیابی واقعیت، کنترل تکانه، حل مسئله، تحمل استرس، شادکامی و انعطاف‌پذیری وجود داشت (صنم‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به این نکته می‌توان نتیجه گرفت که توجه به هوش هیجانی در کاهش انحرافات و خیانت جنسی مؤثر است.

خیانت زناشویی در جامعه ایران به عنوان یک نگرانی رو به رشد مطرح است که با ناپایداری در روابط و نرخ بالای طلاق همراه است مشکلی که باعث از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده و بلا تکلیفی فرزندان می‌شود. این امر موجب تشکیل نسلی است که دارای بی‌اعتمادی، آشفتگی روحی-روانی و تخریب سلامت روان تمام افراد درگیر با این زوجین را به همراه دارد می‌شود. ولی به دلیل تابو بودن مسئله، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد روشن‌سازی هرچه بیشتر عوامل مؤثر بر گرایش افراد (زوجین) به سمت روابط فرا زناشویی و مقایسه با افراد (زوجین) عادی و تفاوت بین دو گروه می‌باشد (مدرسی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به آنچه بیان شد و طبق بررسی

1- Salovey, Bedell, Detweiler, & Mayer

2- Goleman

انجام شده به‌طور کلی تا کنون به‌طور مشخص وضعیت خیانت زناشویی، هوش هیجانی، افراد مطلقه و به‌طور خاص انجام چنین پژوهشی در شهر اهواز صورت نگرفته است. از این رو هدف پژوهش حاضر مقایسه خیانت زناشویی و هوش هیجانی در زنان و مردان مطلقه و متأهلین بدون چنین تجربه‌ای در شهر اهواز می‌باشد.

### فرضیه‌های پژوهش

- در تحقیق حاضر فرضیه‌های زیر به محک آزمون قرار گرفت.
۱. بین افراد مطلقه و متأهل از نظر خیانت زناشویی تفاوت وجود دارد.
  ۲. بین افراد مطلقه و متأهل از نظر هوش هیجانی تفاوت وجود دارد.

### روش

#### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد طلاق گرفته و افراد عادی شهر اهواز بودند که از بین این افراد ۱۲۰ زن و مرد (۶۰ نفر متأهل و ۶۰ نفر مطلقه) به صورت داوطلبانه انتخاب شدند. نمونه طلاق گرفته شامل ۶۰ نفر از زنان و مردانی که به دلیل خیانت همسرشان به دادگاه، شعب مختلف شورای حل اختلاف، مراکز وکالت و دفاتر مشاوره جهت طلاق مراجعه کرده و نمونه عادی (۶۰ نفر) از بین دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز انتخاب شده بودند. لازم به ذکر است که معیار انتخاب آن‌ها صرفاً گزارش زوجین در خصوص خیانت زناشویی بود. افراد متأهل عادی شامل ۶۰ زوج شهر اهواز بودند که بدون داشتن چنین تجربه‌ای به صورت داوطلبانه انتخاب شدند و پرسشنامه‌های هدف در اختیار آن‌ها قرار داده شد. طرح پژوهش حاضر پس رویدادی است. لازم به ذکر است که آزمودنی‌ها فقط از لحاظ داشتن خیانت و یا نداشتن همگون شده‌اند اما از لحاظ سن، وضعیت اقتصادی، و عدم ابتلا به بیماری‌های حاد بدنی و ... همگون نیستند.

#### ابزار پژوهش

به‌منظور سنجش متغیرهای تحقیق از ابزارهای زیر استفاده شد.

پرسشنامه خیانت زناشویی مارک واتلی. مقیاس نگرش به خیانت توسط واتلی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) تهیه شده است (به نقل از عبدالله‌زاده، ۱۳۸۹)، این مقیاس توسط عبدالله‌زاده (۱۳۸۹) به زبان فارسی ترجمه شد. مقیاس یاد شده دارای ۱۲ عبارت است. عبارت‌ها شامل جملاتی راجع به احساسات منفی و مثبت نسبت به مقوله خیانت است که آزمودنی بنابر احساس خود به جملات نمره یک تا هفت می‌دهد. در واقع پرسشنامه خیانت، مقدار تمایل و میزان پذیرندگی یا ردکنندگی را از منظر افراد متخلف می‌سنجد. بالاترین امتیاز ۸۴ به معنی پذیرنده خیانت و کمترین ۱۲ به معنی ردکننده خیانت است. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۴ بدست آمد. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه خیانت زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۰ می‌باشد. روایی آزمون توسط عبدالله‌زاده (۱۳۸۹) مطلوب گزارش شده است. روش نمره‌گذاری پرسشنامه به این صورت بود که هر سؤال در طیف هفت‌گانه از بسیار مخالف (امتیاز ۱) تا بسیار موافق (امتیاز ۷) تعلق می‌گیرد.

پرسشنامه هوش هیجانی. برای سنجش هوش هیجانی از پرسشنامه ۳۳ ماده‌ای سبیریاشرینگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) استفاده گردید (به نقل از منصوری، ۱۳۸۰). پرسشنامه یاد شده توسط منصوری (۱۳۸۰) به فارسی برگردانده شد و شامل ۵ مقیاس خودآنگیزی (۷ عبارت)، خودآگاهی (۸ عبارت)، خودکنترلی (۷ عبارت)، هوشیاری اجتماعی (۶ عبارت) و مهارت‌های اجتماعی (۵ عبارت) می‌باشد و با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود (هیچ وقت = ۵ تا همیشه = ۱). نمره بالاتر نشان‌دهنده هوش هیجانی بیشتر است. منصوری (۱۳۸۰) میزان هماهنگی درونی این مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ بدست آورده است که مطلوبیت آزمون را نشان می‌دهد. همچنین روایی آزمون از طریق همبستگی با آزمون عزت نفس کوپر اسمیت<sup>۳</sup> معنادار بود. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه یاد شده از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۴ بود.

## یافته‌ها

در این بخش به یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها اشاره می‌شود. در جدول ۱ میانگین و

- 
- 1- Wately
  - 2- Sibriashearing
  - 3- Kooper Smith

انحراف معیار نمرات خیانت زناشویی و هوش هیجانی افراد طلاق گرفته و افراد عادی مورد مقایسه قرار گرفت.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای خیانت زناشویی و هوش هیجانی افراد طلاق گرفته و افراد عادی

متغیر	آزمودنی‌ها	شاخص‌های آماری	
		میانگین	انحراف معیار
خیانت زناشویی	افراد طلاق گرفته	۲۵/۴۵	۷/۳۴
	افراد عادی	۲۲/۹۲	۵/۸۶
	کل افراد	۲۴/۱۸	۶/۷۴
هوش هیجانی	افراد طلاق گرفته	۱۰۷/۳۲	۱۵/۶۱
	افراد عادی	۱۱۵/۳۵	۱۵/۳۵
	کل افراد	۱۱۱/۳۳	۱۵/۹۴

همان‌طوری که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در متغیر خیانت زناشویی، میانگین و انحراف معیار، به ترتیب برای افراد طلاق گرفته ۲۵/۴۵ و ۷/۳۴، افراد عادی ۲۲/۹۲ و ۵/۸۶ و کل افراد ۲۴/۱۸ و ۶/۷۴، و در متغیر هوش هیجانی، افراد طلاق گرفته ۱۰۷/۳۲ و ۱۵/۶۱، افراد عادی ۱۱۵/۳۵ و ۱۵/۳۵ و کل افراد ۱۱۱/۳۳ و ۱۵/۹۴، می‌باشد.

جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات خیانت زناشویی و هوش هیجانی افراد طلاق گرفته و افراد عادی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات خیانت زناشویی و هوش هیجانی افراد طلاق گرفته و افراد عادی

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معنی‌داری (p)
آزمون اثر پیلایی	۰/۱۰۸	۴	۱۱۵	۳/۴۷	۰/۰۱۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۸۹۲	۴	۱۱۵	۳/۴۷	۰/۰۱۰
آزمون اثر هتلینگ	۰/۱۲۱	۴	۱۱۵	۳/۴۷	۰/۰۱۰
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۱۲۱	۴	۱۱۵	۳/۴۷	۰/۰۱۰

همان‌طوری که در جدول ۲ نشان داده شده است سطوح معنی‌داری همه آزمون‌ها بیانگر



آن هستند که بین افراد طلاق گرفته و افراد عادی حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (خیانت زناشویی و هوش هیجانی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $F= ۳/۴۷$ ,  $p= ۰/۰۱۰$ )، برای پی‌بردن به این گونه تفاوت، نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانوا، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانوا روی خیانت زناشویی و هوش هیجانی افراد طلاق گرفته و افراد عادی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
خیانت زناشویی	۱۹۲/۵۳	۱	۱۹۲/۵۳	۴/۳۵	۰/۰۳۹
هوش هیجانی	۱۹۳۶/۰۳	۱	۱۹۳۶/۰۳	۸/۰۷	۰/۰۰۵

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین افراد طلاق گرفته و افراد عادی از لحاظ خیانت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $F= ۴/۳۵$ ,  $p= ۰/۰۳۹$ ). بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با توجه به میانگین‌های دو گروه افراد طلاق گرفته نسبت به افراد عادی از خیانت زناشویی بالاتری برخوردارند. هم‌چنین بین افراد طلاق گرفته و افراد عادی از لحاظ هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود ( $F= ۸/۰۷$ ,  $p= ۰/۰۰۵$ ). بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با توجه به میانگین‌های دو گروه، افراد طلاق گرفته نسبت به افراد عادی از هوش هیجانی پایین‌تری برخوردارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مقایسه خیانت زناشویی و هوش هیجانی افراد مطلقه و عادی شهر اهواز انجام پذیرفت. نتایج مطالعه نشان داد که بین افراد طلاق گرفته و افراد عادی از لحاظ خیانت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $F= ۴/۳۵$ ,  $p= ۰/۰۳۹$ ). بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه، افراد طلاق گرفته نسبت به افراد عادی از خیانت زناشویی بالاتری برخوردارند. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های راسل، بیکر و مکنالتی (۲۰۰۵)؛ آماتو و پرویتی (۲۰۰۳)؛ گاتمن (۱۹۹۹) و باس و شاکلفورد (۱۹۹۷) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که خیانت زناشویی،

بیشتر یک فرآیند جدایی تدریجی عاطفی، احساسی و حتی فیزیکی به شمار می‌رود که یکپارچگی و احساس امنیت افراد را نشانه می‌گیرد و پیامدهایی مانند عدم وجود احساس امنیت، حس انتقام از فرد خیانت‌کننده، آشفتگی‌های احساسی و ادراکی نسبتاً پایدار به طرف مقابل، نادیده‌انگاری، شک‌ها و تردیدهای آزاردهنده و توهمات پایدار مبنی بر وجود تداوم خیانت‌ها، احساس کمبود حمایت و پشتیبانی عاطفی به دنبال دارد. داشتن نگرش آزاد می‌تواند زمینه‌گرایش به خیانت زناشویی را هموار کند. در همین رابطه نتایج برخی از بررسی‌ها همچون پرویتی و آماتو (۲۰۰۴)؛ تریز و گیزن (۲۰۰۰) و ادواردز و بوت (۱۹۹۴) نیز نشان می‌دهد که داشتن نگرش آزاد می‌تواند در خیانت زناشویی مؤثر باشد.

افرادی که خودشان را به عنوان فردی بی‌وفا توصیف می‌کنند گرایش بیشتری به صفات شخصیتی مرتبط با کمبود اعتماد دارند (گرازیانو و آیزنبرگ، ۱۹۹۷). آن‌ها نیز بیان کردند این افراد گرایش به نابسامانی دارند و غیرقابل اعتماد هستند و بیشتر احتمال دارد که خود را به عنوان فردی بی‌وفا توصیف کنند. بنابراین، تردیدی نیست که پایان زندگی زناشویی و جدایی و طلاق، نوعی احساس رهایی و آرامش و یا حس انتقام را هم برای فرد خیانت‌کننده و هم برای فرد خیانت‌شونده به همراه داشته باشد، فرد با طلاق، در واقع می‌خواهد از درد و رنج حاصل از اشتباهات خود و همسرش فرار کند و از میزان هیجان‌های منفی و آشفتگی روانی خود تا حدودی بکاهد. علاوه بر این، احساس ناتوانی برخورد با این مشکل و گفتگو با دوستان و اطرافیان به این نتیجه می‌رسد که جدایی و طلاق تنها راه باقی‌مانده در مواجهه با خیانت است. اگر مداخله در مراحل اولیه خیانت‌های زناشویی صورت گیرد از عوامل استرس‌زای بعدی، افسردگی و از هم پاشیدگی خانواده جلوگیری می‌کند.

نتایج تحقیق حاضر هم‌چنین نشان داد که بین افراد طلاق گرفته و افراد عادی از لحاظ هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود ( $F= ۸/۰۷, p= ۰/۰۰۵$ ). به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه افراد طلاق گرفته نسبت به افراد عادی از هوش هیجانی پایین‌تری برخوردارند. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های یارمحمدیان، ریحانی و قادری (۱۳۹۱)، اسمیت و همکاران (۲۰۱۰) و رحمانی (۱۳۸۵) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت مؤلفه‌های اولیه مربوط به هوش هیجانی شامل بالا بودن خودآگاهی، توانایی برای تنظیم رفتارها و افکارهای خود؛ و انگیزه بسیار برای پیگیری و رفع موانع است. این

مؤلفه‌ها موجب پاسخ‌های همدلانه بهتر و رشد روابط سالم با دیگران می‌شود. برخورداری از هوش هیجانی بالا، موجب تنظیم و مدیریت هوشمندانه عواطف، کنترل کلامی در هنگام خشم و ناراحتی و کنترل عواطف منفی مانند ابراز خشم، عصبانیت و اضطراب منجر شده و به همین طریق عامل کاهش تعارضات روابط بین فردی می‌شود. هوش هیجانی از عوامل مهم در تعیین موفقیت فرد در زندگی است. پژوهش‌های سیاروچی، فورگاس و مایر (۱۳۸۳) و تیرگری (۱۳۸۵) به‌طور دقیق نشان داده‌اند که سوء تعبیرهای عاطفی و ادراکی می‌تواند به افزایش تعارض منجر شود که پژوهشگران آن را نتیجه فرآیند کمبود مهارت‌ها و خصیصه‌های مرتبط با هوش هیجانی می‌دانند. براساس مدل هوش هیجانی بار-آن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) هوش هیجانی موجب عملکرد بهتر در روابط بین فردی، درون فردی و تطابق با مسائل و انعطاف‌پذیری در برابر ناملازمات می‌شود. زندگی زناشویی همواره با تعارضات و مشکلات بسیاری همراه است که برخی از آن‌ها به دلیل فقدان مهارت‌های مربوط به مدیریت احساسات و عواطف و عدم همدلی و درک هیجانات طرف مقابل و ناتوانی بازشناسی هیجانات منفی خود، موجب دامنه‌دار شدن این گونه مسائل و تعارضات در زندگی زناشویی و با ناسازگاری بیشتر زوجین موجب جدایی و طلاق آنان می‌شود. هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که کمک می‌کند که فرد در زندگی ارتباطی خود (افراد گوناگون از جمله همسر) رابطه دوستانه و مداراگرایانه برقرار کند و قابلیت است که بر سایر توانایی‌های فرد تأثیری عمیق تسهیل‌کننده یا بازدارنده بر جای می‌گذارد. افراد با هوش هیجانی بالا توانایی سازگاری با اطرافیان خود، اعتماد به نفس و خود آگاهی بالا دارند. با توجه به این نتایج می‌توان بیان نمود که هوش هیجانی در زوج‌های طلاق گرفته نسبت به زوج‌های عادی کمتر است. به بیان دیگر در این افراد توان تحمل تنیدگی‌ها و استرس و قدرت مقابله با سختی‌های زندگی کمتر است.

از محدودیت‌های تحقیق حاضر انجام این تحقیق با نمونه‌ای از زنان و مردان مطلقه و عادی شهر اهواز و دسترسی محدود به اطلاعات بیشتر در خصوص خیانت زناشویی می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر به مشاوران خانواده، متخصصین خانواده درمانی و مشاوران مستقر در شورای حل اختلاف در امور خانواده پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های مداخلاتی مبتنی بر افزایش حل

اختلافات و تصحیح مشکلات زناشویی به مسائل مربوط به خیانت‌های زناشویی و هوش هیجانی نیز توجه شود. باید تمهیداتی برای پیشگیری هر چه بیشتر خیانت‌های زناشویی از سوی مسئولین امور فرهنگی، نهادها و سازمان‌های مربوط به آسیب‌های خانواده فراهم آورد و با آموزش و تربیت متخصصان آگاه، زوجین و خانواده‌هایی با شکایت اصلی خیانت زناشویی را با مداخله‌ای مؤثر و بهینه در جهت حل پایه‌ای این مسئله، حتی الامکان از پدیده طلاق و جدایی ناشی از این مسأله کمک کنند. برنامه‌های جامعی به‌منظور ارتقای هوش هیجانی زنان و مردان متأهل و در آستانه ازدواج طراحی گردد و با توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی ایران توصیه می‌شود که حتی الامکان به پیامدها و عوامل زیربنای خیانت زناشویی برای عموم جامعه به شیوه صریح‌تر و آشکارتری صحبت شود.

## منابع

## فارسی

- تیرگری، علی (۱۳۸۵). مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و روابط ساختاری آن‌ها در زوج‌های ناسازگار و سازگار شهرستان‌ساری. *چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناختی خانواده در ایران*، دانشگاه شهید بهشتی.
- رحمانی، مجید (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی با رضایت زناشویی در زوج‌های ۳۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران. *چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناختی خانواده در ایران*، دانشگاه شهید بهشتی.
- سودانی، منصور؛ کریمی، جواد؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز؛ و نیسی، عبدالکاسم (۱۳۹۱). اثر بخشی زوج درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر. *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۱۰، شماره ۴، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سیاروچی، ژوزف؛ فورگاس، ژوزف؛ و مایر، جان (۱۹۵۳). *هوش عاطفی در زندگی روزمره*. ترجمه‌ی نوری امام‌زاده‌ای، اصغر و نصیری، حبیب‌ا... (۱۳۸۳). اصفهان: انتشارات نوشته.
- صنم‌نژاد، قاسمعلی؛ پاشاوی، قاسم؛ افتاده‌حال، مسعود؛ و خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و خود‌پنداره در افراد با و بدون شکست در عشق. *مجله علوم اجتماعی و رفتاری*، ۳۰، ۱۴۴۷-۱۴۵۱.
- عبدالله‌زاده، حسن (۱۳۸۹). *معرفی مقیاس نگرش به خیانت*. مارک واتلی، تهران، موسسه آزمون یارپویا.
- کاوه، سعید (۱۳۸۹). *رویارویی با بی‌وفایی و یا پیمان‌شکنی همسر*. تهران: ناشر: موسسه اندیشه کهن پرداز.
- مدرسی، فریبا؛ زاهدیان، سیدحسین؛ و هاشمی محمدآباد، نذیر (۱۳۹۲). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *ارمغان دانش، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*، دوره ۱۹، شماره ۱.
- منصوری، بهروز (۱۳۸۰). *هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی سیریاشرینگ در بین*

دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

یارمحمدیان، احمد؛ ریحانی، فاطمه؛ و قادری، زهرا (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی در بین زوج‌های در آستانه طلاق و عادی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال دوم، شماره هفتم، ۴۷-۶۱.

یاریاری، فرهاد و سلطانی، نادیا (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد خانواده در بین کارکنان آموزش و پرورش. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناختی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.

یزدی، جعفر؛ گلزاری هرسینی، حمیده؛ و گلزاری هرسینی، محمود (۱۳۸۴). هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل آموزش و پرورش. فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۴، دوره اول.

## لاتین

- Allen, E.S., Atkins, D., Baucom, D.H., Snyder, D., Gordon, K.C., & Glass, S.P. (2005). Intrapersonal, interpersonal and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 12, 101-130.
- Allen, E., Rhoades, Galena, K., Stanel, S., Markman, H., Williams, T., Melton, J., & Clements, M. (2008). Premarital precursors of marital infidelity. *Family Process*, 47(2): 243-260.
- Amato, P.R., & Previti, D. (2003). People's reasons for divorcing: gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues*, 24, 602-626.
- Atkins, D.C., Baucom, D.H., & Jacobson, N.S. (2001). Understanding infidelity: correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15, 735-749.
- Bar-On, R. (2001). *Emotional and social intelligence: insights from the Emotional Quotient Inventory (EQ-i)*. In R. Bar-on & 3D. A. Parker (Eds). Handbook of emotional intelligence. San francisco: jossey-bass.
- Blow, A.J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships ii: a substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31, 217-233.

- Bravo, I.M., & Lumpkin, P.W. (2010). *The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy, doctoral program in psychology, carlos albizu university*. Miami, Florida, USA.
- Buss, D.M., & Shackelford, T.K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of Research in Personality*, 31 (2): 193-221.
- Edwards, J.N., & Booth, A. (1994). *Sexuality, marriage, and well-being: the middle years*. In A.S. Rossi (Ed.). Sexuality across the life course (pp. 233-259). Chicago: University of Chicago Press.
- Glass, S.P., & Wright, T.L. (1997). *Reconstructing marriages after the trauma of infidelity*. Clinical handbook of marriage and couples intervention. New York: Wiley & Sons.
- Glass, S.P., & Wright, T.L. (1985). Sex differences in type of extramarital involvement and marital dissatisfaction. *Sex Roles*, 12, 1101-1120.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Gottman, J. (1999). *What predicts divorce? The relationship between marital process and marital outcome*. Lanrence Erlbaum: New Jersey.
- Graziano, W.G., & Eisenberg, N.H. (1997). *Agreeableness: A dimension of personality*. In R. Hogan, J. Johnson, & S. Briggs (Eds.). Handbook of personality psychology, 795-824.
- Oliver, L., & Miller, W.R. (1994). *Marriage enrichment philosophy, process and program*. Bowie, MD: Robert, S. Brady Company.
- Previti, D., & Amato, P.R. (2004). Is infidelity a cause or a consequence of poor marital quality? *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 217-230.
- Prins, K.S., Buunk, B.R., & VanYperen, N.W. (1993). Equity, normative disapproval and extramarital relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 39-53.
- Russell, V.M., Baker, L.R., & McNulty, J.K. (2005). Attachment insecurity and infidelity in marriage: Do studies of dating relationships reslly inform us about marrige? Florida state University.
- Salovey, P., Bedell, B.T., Detweiler., J.B., & Mayer, J.D. (1999). *Coping intelligently: Emotional intelligence and the coping process*. In C. R. Snyder (Ed.). Coping: the psychology of what works. New York: Oxford University Press, 141-164.

Smith, C., Hall, R., & Justin., D. (2010). Monotony in monogamy: a study of married individuals seeking to have an extramarital, American. *Journal of Psychological Research*.

Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 48-60.